

از اعتصابات کارگری در ایران حمایت کنیم!

از اعتراضات و اعتصاب گسترده کارگران علیه نظام
استثمار گر حمایت کنیم!

امین بیات

اعتصابات کارگران استثمار شده در ایران رشد روز افزون و چشمگیری را نشان میدهد، که در آن کارگران شرکت نیشکر هفت تپه یکپارچه و متحد با دستمزد های زیر خط فقر در ادامه اعتصاب و اعتراضات خود مصمم و دیگر آب از سرشان گذشته و آماده هر گونه فداکاری برای زنده ماندن حق حیات خود و خانواده اشان، هستند.



در مرحله اول کارگران خواستار پرداخت حقوقهای معوقه ی خود میباشند، و همچنین از لحاظ سیاسی خواهان این هستند که نیشکر هفت تپه به مالکیت " دولت " در بیاید.

در کنار کارگران هفت تپه ، کارگران شرکت هپکو دراراک نیز به اعتصاب پیوسته و خواهستهای مشترک و مشابه را دنبال میکنند، جنبش مطالباتی کارگران در تهران و مشهد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود در اعتراض به عدم پرداخت پاداش بازنشستگی صندوق پس انداز بازنشستگی کارکنان خود تجمع و به اعتصاب کارگران هفت تپه که 64 روز است که در اعتصاب بسر میبرند ، پیوستند.

در ادامه تحسن این دو شرکت بزرگ کارگری اعتصاب گسترش فوق العاده چشمگیری در مدت زمان کوتاهی داشته است و از آنجمله به اعتصاب پیوستن هزاران نفر از کارگران پالایشگاههای ایران از جمله پالایشگاه آبادان، پارسین، پتروشیمی لامرد، پارس جنوبی و میدان نفتی آزادگان شمالی ، و شرکت نفت قشم و ده ها شرکت تابعه ی دیگر که به اعتصاب سراسری پیوسته اند.

اصل در خواست کارگران علاوه بر پرداخت حق و حقوق معوقه خود و آزادی همکاران بازداشت شده، درحقیقت این است که این شرکت ها توسط

سپاه پاسداران ، و دولت امنیتی و رانت خوار به افراد خصوصی سرمایه دار واگذار یا فروخته شده هستند، کارگران خواهان بازگرداندن این واحدهای تولیدی از بخش خصوصی به دولتی میباشند، که در حقیقت بدینوسیله خواهان کوتاه کردن دست غارتگران رانت خوار و استثمارگر ، از سرمایه های ملی مردم ، میباشند، یعنی بیت رهبری ، پاسداران، سرمایه داران، و همچنین خواهان خودگردانی کارخانجات بدست کارگران میباشند.

فضای بسیار نا مساعدی که در سرتا سر کشور سایه افکنده ، بیکاری، گرانی، نبود امنیت فردی، ورشکستگی اقتصادی و اعتصابات کارگری که از بی برنامهگی دست اندرکاران جمهوری اسلامی و بی لیاقتی آنها را نشان میدهد که همه چیز را با استناد به پیامدهای تحریم های آمریکا و اتحادیه ی اروپا و سازمان ملل را باعث کشاندن اقتصاد در جمهوری اسلامی به ورشکستگی کامل، می پندارند.

سیاست رانت خواری دولت امروز در ایران در مقابل برگرداندن این شرکتها به مالکیت دولتی یا عمومی ، راه حل مقابله با تحریم ها در حمایت از خصوصی سازی شرکتها یعنی افزایش تولید داخلی آنها در حمایت از سرمایه داران رانت خوار داخلی است، و این در حالیست که خود وابسته گان به جمهوری اسلامی اذعان میکنند که نتوانسته اند چرخه تولید داخلی را رشد بدهند و تولید داخلی سه یا چهار دهه ی گذشته تحقق نیافت و عملا کارخانجات ورشکسته اعلام شدند ، و این کارخانجات ورشکسته را با قیمت های من در آوردی به بخش خصوصی، فروختند.

امروز اما کارگران مصمم و متحد دریافته اند که در چار چوب همین قانون اساسی واصل 44 آن به خصوصی سازی یعنی حراج ثروت مردم ، باید پایان یابد و دست اندر کاران و دزدان ، غارتگران ثروت ملی مردم توسط آخوند ها و پاسداران کوتاه گردد،، و اموال عمومی و ملی مردم در اختیار "دولت" قرار بگیرد ، حالا تا چه زمانی این دولت نا لایق و رانت خوار اموال ملی و مردمی را در اختیار دولتی که نالایقیش ثابت شده که نماینده واقعی مردم هم نیست، و مشتکی دزد و رانت خوار و سپاهی آنها برنامه ریزی میکنند تا زمانی که دولتی مردمی و با برنامه ریزی مردمی بنفع عموم مردم در جهت رفاه عمومی و تامین استقلال اقتصادی ، بهبود معیشت کارگران ، بر سر کار آید.

تا زمانی که عوامل اقتصادی کشور مستقل عمل نکنند و منافع مردم را

در نظر نگیرند، یعنی صنایع کلیدی کشور، منابع زیر زمینی نفت و گاز، بانکداری، بازنشستگی، بازرگانی خارجی، تولیدات نیروی برق و گاز، تامین آب آشامیدنی در سراسر کشور، راه آهن، شرکتهای هواپیمائی، کشتیرانی، کشاورزی، حفظ جنگلها و محیط زیست، همه و همه به تملق مالکیت مردمی و یک دولت مردمی منتخب واقعی مردم در نیاید، و دست تبهکاران و دزدان کوتاه نگردهد، روزگار کارگران بخصوص از این که هست بدتر خواهد شد.

کار این دولت امنیتی و حزب الهی بجائی کشده که اوراق فروش نفت خام از طرف دولت مزورانه برای فروش بمردم ارائه میدهند، کلاشی دولت به کجا کشیده است، کلاهبرداری در روز روشن، فروش نفتی که هنوز استخراج نشده را به مردم میخوانند بفروشند یعنی دست دزدی در جیب مردم کردن با کلاشی تمام، برای مثال حکومت سراپا آلوده به فساد، با تبعیض و ستم، خصوصی سازی مدارس برای مثال که یکی از بحرانهای آموزشی در جامعه است، کجا فرزند یک کارگر قادر است چند میلیون حق ثبت نام به پردازد، مدارس پولی باید در سطح کشور بر چیده شوند.

در چار چوب خصوصی سازی در جمهوری اسلامی تا به حال چه گذشته است:

سیاست خانمان بر انداز خصوصی سازی در جمهوری اسلامی، تنها به صنایع صنعت نفت و پتروشیمی ضربات جبران نا پذیری وارد کرده است، تنها استخراج و فروش منابع زیر زمینی در دستور کار سرمایه داران بوده و این در آمد ها بنفع شخصی و جیب گشاد آخوندها و پاسداران و از جمله خامنه ای و بیت رهبری انجام گرفته است و هیچگونه سرمایه گذاری جهت مدرن کردن وسایل بکاربرده شده در چاه های نفت و پتروشیمی انجام نگرفته و عملا بنا به گفته خود عوامل بالای صنایع نفت و پتروشیمی، فرسوده و از درون متلاشی شده، هستند.

البته که قابل ذکر است این برنامه ها از طرف سرمایه داری جهانی بخصوص "بانک جهانی" و " صندوق بین المللی پول" تدوین و با انواع شیوه های ضد مردمی و ضد کارگری به دولتهای ورشکسته مانند دولت جمهوری اسلامی حتی از طریق زور و با دستوریا کودتا و تهدید و عملا اینگونه دولتها را وادار به اجرای دستورات خود ملزم کرده و در غیر این صورت به عدم پرداخت وام همت میگمارند، همانگونه که به تقاضای جمهوری اسلامی جهت کمک به خرید وسایل ایمنی ویروس کرونا "صندوق بین المللی پول" با دستور آمریکا از پرداخت این وام خود داری کرد، و این در حالیست که جمهوری اسلامی به اجرای برنامه ریزی خصوصی سازی "بانک جهانی" را پذیرفته بود و می پنداشتند که قرار

است در جمهوری اسلامی از طریق کردش وام سمت و سوی سرمایه گذاری و صنعتی شدن را طی کنند.

خصوصی سازی در فهم و ادراک اقتصاد دانان اسلامی و دست اندرکاران برنامه ریزی اقتصادی در جمهوری اسلامی چنان جا باز کرده که اگر صد بار دیگر خلاف آن ثابت شود گوش این رانت خواران به آن بدهکار نیست ، اصل داستان بر سرمیلیارد ها دلار منافع است، که دست بر داشتن از این ثروت باد آورد کار این طایفه آخوند و پاسدار نیست، آخوند ها و پاسداران در حقیقت در خدمت منافع سرمایه داری جهانی و "صندوق بین المللی پول" هستند که جلو گیری میکنند از صنعتی شدن ایران و استقلال صنعتی آن، منافع طبقاتی که دست اندر کاران آن ادامه میدهند و تنها سود کلان برایشان مهم است، تا به حال تغییری مثبت در چار چوب اقتصادی کشور به نفع عموم نه داشته است.

در حقیقت برنامه ریزان جمهوری اسلامی چه در داخل و چه در خارج از کشور هر دو منجر به شکست شده است، هرج و مرج در جمهوری اسلامی به اوج خود رسیده و هر ملا و پاسداری شعار خود را سر میدهد ، هنوز خون جوانان معترض 96 و 98 میجوشد، و برای فرار از واقعیت و ترس از اعتراضات میلیونی افراد دستگیر شده را اعدام میکنند، هنوز جمهوری اسلامی در کلیتش می پندارد که با اعدام و کشتار میتواند ادامه زندگی جنایتبار خود داشته باشد، هنوز در تکاپوی حفظ بیروت ، دمشق ، بغداد و... است واشگ تمساح میریزد، و گوش شنوایی برای عقب نشینی ندارد، و به فروش و قاچاق نفت هم راضی شده و از سه ملیون فروش در روز به یکصد هزار رسیده را بفال نیک میگیرد و در انتظار فرصت نشسته ، از این طایفه مفت خور و فساد بر انگیز چه انتظاری داریم که به منافع عموم مردم و بخصوص منافع طبقه ی زحمتکش جامعه که کارگران هستند به اندیشد.

بهر صورت:

زمان به نفع جمهوری اسلامی به پیش نمی رود، اصلاحات قلابی شکست خورده، اقتصاد ورشکسته شده، دولت خلع سلاح شده و جامعه در روند بی اخلاقی شتابان به پیش میرود و کاری از دستشان همچون گذشته بر نمی آید، زیرا مسبب این نابسامانیها خود شان بودند و هستند، افکار عمومی جهان به جمهوری اسلامی به مثابه یک دولت تروریستی نگاه کنجکاوانه دارد، تحریم ها هر روز دامنه وسعتشان بیشتر و سختتر میشود، جامعه بکلی به سوی تعلیق و فروپاشی در حرکت، بی حقوقی و

هرج و مرج افسار گسیخته، بیکاری و بی پولی همراه گرانی فریاد رسای کارگران که نان آوران خانواده اشان هستند را به اعتصاب کشانده است.

در چنین شرایطی و ادامه ی چنین وضع اسفباری ، افق و چشم انداز روشنی در جمهوری اسلامی دیده نشده و نمی شود، نا کار آمدی رژیم بصورت کاملا روشن در معرض افکار عمومی دیده میشود، جز شعار و ترور ، خفقان و اعدام عکس العمل دارو دسته دیوانه آخوند ها و پاسداران و بیت رهبری، شده است "اسلامیت" جمهوری اسلامی کاملا و مطلقا زیرسئوال رفته بجزبخش آخوند و حزب الهی ، منافع ملی توسط جمهوری اسلامی لگد مال شده ، مسئولیت ملی در دستگاه حکومتی معنی ندارد، دیگر دولت و بیت رهبری تسلط بر اطرافیان خود را هم ندارند چه برسد به کل جامعه .

زمانیکه در حال حاضر کارگران بیش از 32 کارخانه در اعتصاب بسر میبرند، یعنی کارخانجات ورشکسته اند، یعنی دولت دیگر مشروعیت ندارد، و چشم انداز اعتصابات سراسری همراه با تظاهرات سراسری نوید بهم پیوستن را میدهد ، یعنی بدین وسیله ممکن ماشین دولتی ، دستگاه سرکوبگر دولتی در هم شکسته است، و این همه در حالیست که کرد به استخوان مردم و بخصوص کارگران رسیده است ، در یک پروسه ی با برنامه میتوانند بهم نزدیک و کار رژیم تبهار را با اعتراضات و اعتصابات یکسره کنند ، راه دیگری وجود ندارد.

از اعتصاب بحق کارگران ایران ، سندیکاهها، تشکل های مستقل کارگری پشتیبانی میکنیم.

18.08.2020